

The Status of Women in Endowments of Gonabad during the Qajar and Pahlavi Eras

Jamshid Noroozi¹ | Zekrollah Mohammdi² | Narges Khazaei³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract

Purpose: The study aims to examine the contribution of women to the endowments of Gonabad during the Qajar and Pahlavi periods, to describe the characteristics and purposes of these endowments during these two eras, to explain the influence of feminine tendencies in determining the type and use of endowments, and to understand how female endowment caretakers were selected in Gonabad.

Method and Research Design: This research adopts a descriptive-analytical approach, based on the content of endowment documents available at the Gonabad Endowments Office, as well as information from certain books, to analyze the position of women in the endowments of Gonabad and related issues concerning their endowments.

Findings and Conclusion: Women in Gonabad contributed to only 17% of the endowments during the Qajar and Pahlavi periods. The majority of women's endowments consist of water and agricultural land; however, sometimes mulberry and jujube trees were also endowed. Most female benefactors were from rural areas, and, influenced by the uprising of Imam Hussain (a), they devoted most of the income from their endowments to Muharram mourning ceremonies. It can almost be said that Gonabadi female benefactors did not consider their feminine tendencies in determining the purposes of their endowments and the selection of their caretakers.

Keywords: Endowment; Benefactor; Women; Gonabad; Qajar; Pahlavi.

Citation: Noroozi, J., Mohammadi, Z., & Khazaei, N. (2024). The Status of Women in Endowments of Gonabad during the Qajar and Pahlavi Eras. *Ganjine-ye Asnad*, 34(1), 6-33.
doi: 10.30484/ganj.2024.3137

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Litreture, Alzahra university, Tehran, Iran, (Corresponding author). J.noroozi@alzahra.ac.ir

2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Litreture, Alzahra university, Tehran, Iran. Ze.mohammadi@alzahra.ac.ir

3. PhD student of Iranian Islamic History, Alzahra university, Tehran, Iran. NargesKhazaei1374@gmail.com

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«133»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2024.3137

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 34, No.1, Spring 2024 | pp: 6 -33 (28) | Received: 27, Apr. 2023 | Accepted: 20, Jan. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشویی

مقاله پژوهشی

بررسی جایگاه بانوان در موقوفات شهرستان گناباد در دوران قاجار و پهلوی

جمشید نوروزی^۱ | ذکراالله محمدی^۲ | نرگس خزاعی^۳

چکیده

هدف: بررسی سهم زنان در موقوفات گناباد در دوران قاجار و پهلوی؛ بیان ویژگی‌ها و مصارف این موقوفات در این دو مقطع؛ تبیین تأثیر گرایش‌های زنانه در تعیین نوع و مصرف موقوفات؛ چگونگی تعیین متولیان موقوفات زنان گنابادی.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر مبنای محتویات اسناد موقوفات موجود در اداره اوقاف گناباد و نیز مندرجات برخی کتب، جایگاه بانوان در موقوفات شهرستان گناباد و موارد مرتبط با موقوفات آنان را بررسی می‌کند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: زنان گنابادی تنها در ایجاد ۱۷٪ از وقفیات دوران قاجار و پهلوی در گناباد مشارکت داشته‌اند. عمده موقوفات زنان گنابادی، آب و زمین کشاورزی است؛ ولی گاهی درخت توت و عناب هم وقف شده‌است. اکثر زنان واقف، روستایی هستند و تحت تأثیر قیام سیدالشهداء (ع)، عمده درآمد موقوفات خود را وقف سوگواری محرم کرده‌اند. تقریباً می‌توان گفت که واقفان زن گنابادی، گرایش‌های زنانه خود را در تعیین مصارف موقوفات خود و متولیان آن‌ها در نظر نگرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: وقف؛ واقف؛ بانوان؛ گناباد؛ قاجار؛ پهلوی.

استناد: نوروزی، جمشید، محمدی، ذکراالله، خزاعی، نرگس. (۱۴۰۳). بررسی جایگاه بانوان در موقوفات شهرستان گناباد در دوران قاجار و پهلوی. *گنجینه اسناد*، ۳۴ (۱)، ۳۳-۶. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۱۳۷

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) J.noroozi@alzahra.ac.ir
۲. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. ze.mohammadi@alzahra.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. nargesKhazaei1374@gmail.com



گنجینه اسناد

۱۳۳

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۴.۳۱۳۷

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۴، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۳ | صص: ۳۳-۶ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

گناباد یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است که با قدمت چند هزارساله، اکنون در جنوب استان خراسان رضوی قرار دارد. در منابع تاریخی و جغرافیایی، از گناباد به نام‌های یُنابُد، کُنابَد، جُنابُد و جن‌آباد نام برده‌اند (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۱۸۰؛ استرآبادی، ۱۳۲۸، ص ۶۱۴؛ خوافی، ۱۳۴۹، ص ۲۸). تعیین محدوده جغرافیایی گناباد در گذر ایام کمی دشوار است؛ چون تغییرات آن مبهم است؛ ولی محدوده فعلی شهرستان گناباد، از مشرق به شهرستان خواف، از شمال به شهرستان تربت حیدریه و کاشمر، از غرب به فردوس، و از جنوب به قاین محدود است (زمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۱). در این شهر تاریخی همانند دیگر شهرهای کهن دیار ایران، وقف به عنوان سنتی مانا و فروزنده، همواره مورد توجه نوع دوستان بوده است. واقفان با گذشتن از مال خود، درصدد پرکردن خلأهای فرهنگی و اقتصادی جامعه بوده‌اند. وجود واقفان شاخصی چون امیر حسن خانی و حاج محمدباقرخان در زمره واقفان دوره قاجار در گناباد از مصادیق دیرینگی سنت وقف در این منطقه است. عنایت دیرینه مردم گناباد در حفظ و حراست موقوفات، به گونه‌ای بوده است که تلاش می‌کرده‌اند تا بدون عذر موجه، گام در زمین موقوفه نگذارند؛ و حتی خیش کشاورزی مورد استفاده در زمین موقوفه را بعد از استفاده، بشویند. در سنت دیرپای وقف در گناباد، بانوان نیز به عنوان بخش قابل توجهی از جمعیت فعال جامعه، نقش آفرینی داشته‌اند و موقوفاتی ایجاد کرده‌اند. در این پژوهش، جایگاه بانوان واقف گنابادی در دوران قاجار و پهلوی، بررسی می‌شود.

از جمله پرسش‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- ویژگی‌ها و مصارف موقوفات بانوان گنابادی چه بوده است؟
- ۲- آیا گرایش‌های زنانه، در انتخاب نوع موقوفه، تعیین نوع مصرف و هدف وقف، تأثیر داشته است؟
- ۳- آیا مکان زندگی واقف (شهر یا روستا)، در ایجاد نوع موقوفات بانوان گنابادی مؤثر بوده است؟
- ۴- واقفان زن به کدام طبقات اجتماعی وابسته بوده‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

با وجود تحقیقات فراوان راجع به وقف، هنوز درباره جوانبی از این موضوع از جمله ارتباط جنسیت با وقف، جای کار بیشتری وجود دارد. از کارهای منتشر شده که به نوعی با موضوع مقاله حاضر مرتبط هستند می‌توان به مقاله «*人力资本、家庭禀赋、创业*»



陈虹 (۲۰۲۱)، اشاره کرد که تأثیر سرمایه انسانی و وقف بر کارآفرینی زنان را بررسی کرده است. هم‌چنین مقاله «**环境对女性创业的影响 家庭禀赋对**» اثر 李秋蓉 (۲۰۱۸)، تأثیرات وقف بر انتخاب شیوه اشتغال زنان روستایی را بررسی کرده است. افزون بر این‌ها، به صورت جزئی‌تر درباره نقش زنان در وقف، مقالاتی به زیور طبع آراسته شده است؛ از جمله: «زنان و وقف؛ نمونه موردی: شهر تهران در دوره‌های قاجاریه و پهلوی» از پروانه شاه‌حسینی و هاله معیری (۱۳۹۷)؛ «کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی؛ نمونه پژوهی: موقوفات زنان تهران» از الهام ملک‌زاده و مرضیه افرافر (۱۳۹۶)؛ مقاله «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر؛ مطالعه موردی: شهرستان‌های بیرجند، درمیان، سریشه» از مفید شاطری و راضیه آرزومندان (۱۳۹۰)؛ مقاله «زنان واقف در تهران عهد قاجار» از کریستف ورنر (۱۳۷۸)؛ مقاله «بانوان بوشهری و سنت نبوی وقف» از حمید اسدپور (۱۳۸۲). این مقالات هرکدام به نوعی نقش زنان در وقف در اعصار و مکان‌های مختلف را بررسی کرده‌اند که با مطالعه آن‌ها می‌توان به جایگاه والای بانوان در این موضوع پی برد.

گرچه پژوهش مستقلی درباره موقوفات زنان در گناباد منتشر نشده است، ولی برخی تحقیقات به جوانبی از موقوفات این شهرستان در گذر زمان پرداخته‌اند. مقاله «چگونگی وقف و موقوفات گناباد در سال‌های ۱۲۸۵-۱۴۳۵ق» از تکتم یارمحمدی و جمشید نوروزی (۱۳۹۸)، اوضاع وقف در شهرستان گناباد در این مقطع را به‌طور کلی بررسی کرده است. پایان‌نامه «بررسی اثرات وقف در توسعه اقتصادی-اجتماعی و کالبدی نواحی روستایی؛ مطالعه موردی: بخش کاخک شهرستان گناباد» از محمود فال سلیمان (۱۳۹۵)، اطلاعات ارزشمندی از حیث اثرات اقتصادی و اجتماعی وقف در اختیار قرار می‌دهد. پایان‌نامه «تاریخ وقف در شهرستان گناباد از دوره صفویه تا عصر حاضر» نوشته سیدسعید اکبریان (۱۳۹۷) نیز، وقف در دوره زمانی مذکور را به صورت کلی بررسی کرده است.

۳. آمار موقوفات گناباد و سهم زنان

اسناد موجود در اداره اوقاف شهرستان^۱ گناباد، از زمان صفویه به بعد است. از دلایل احتمالی نبود اسناد واقعی از ماقبل صفویه، می‌توان به اقدام عمدی برخی افراد در از بین بردن اسناد موقوفات، تثبیت نشدن رویه تنظیم سند برای موقوفات در منطقه، از بین رفتن برخی اسناد در حوادث طبیعی چون زلزله و آتش‌سوزی است (اکبریان، ۱۳۹۷، ص ۳۹). دلیل افزایش موقوفات گناباد بعد از تأسیس حکومت صفویه هم رسمیت تشیع است.

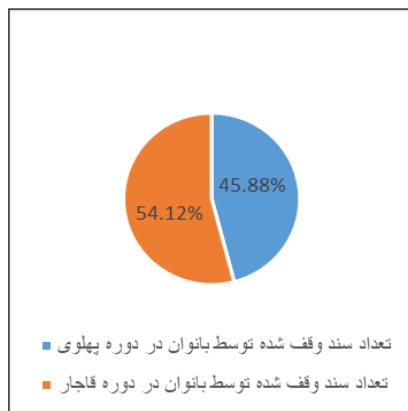
۱. باتوجه به اطلاعاتی که در مقاله آمده است، برای اینکه مقاله شامل بخش‌ها و روستاهای اطراف گناباد نیز شود، از واژه شهرستان استفاده شده است.



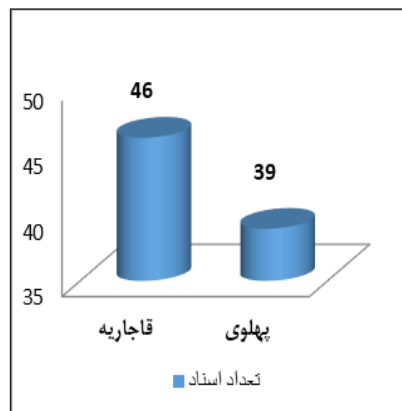
قدیمی‌ترین وقف‌نامه موجود در اداره اوقاف گناباد، مربوط به سال ۹۵۷ق است که چندین فنجان آب و [زمین] مزرعه وقف شده است (حسن آبادی، ۱۳۸۲، ص ۴۱). از زمان افشار، احتمالاً به دلیل اینکه نادرشاه املاک وقفی را برای تأمین هزینه‌های سپاهیان تصاحب می‌کرد (فریزر، ۱۳۶۳، صص ۸۲-۸۳)، اسناد قابل توجهی وجود ندارد. با روی کار آمدن قاجار و توجه افزون‌تر آنان به امور مذهبی و نهاد وقف، رقبات متعددی در شهرستان گناباد وقف شدند. در مقاطعی از عهد قاجار که امنیت گناباد به دلایلی چون دست‌به‌دست شدن بین ایل شیبانی و ترکمن‌ها (لباف خانیکی، ۱۳۸۳، ص ۶۲) به خطر افتاد، گرایش مردم به وقف افزایش یافت. با وجود تداوم سنت وقف در زمان حکومت پهلوی، به دلایلی چون تصویب قانون ثبت املاک و مستغلات (۱۳۰۹ش) و پیامدهای آن (نوائیان رودسری، ۱۳۹۰، ص ۳۶)، موقوفات کاهش یافت.

به‌طور کلی در گناباد، ۲۱۲۳ موقوفه و ۴۳۸۰ رقبه^۱ وقفی وجود دارد (مصاحبه با آقای تقوی، رئیس اداره اوقاف و امور خیریه؛ شنبه، ۱۴۰۱/۰۹/۲۶). با بررسی مجموعه‌ای ۱۰ جلدی که شامل مشخصات ۵۰۰ سند مربوط به دوران قاجار و پهلوی است، مشخص شد که ۸۳ درصد واقفان این مجموعه، مردان و ۱۷ درصد زنان هستند. این ۱۷ درصد، شامل ۴۶ سند مربوط به عهد قاجار و ۳۹ سند مربوط به عهد پهلوی است. این درصد اسناد واقفان زن، باتوجه به شرایط اجتماعی شهرستان گناباد و فرهنگ مردسالاری حاکم بر آن در دوران قاجار و پهلوی، درخور توجه و حاکی از نگاه مثبت بانوان گناباد به وقف است.

۱. «رقبه عبارت است از واحد ملکی غیرمنقول. هر موقوفه‌ای یا مکان مذهبی ممکن است دارای یک یا چند رقبه باشد» (حدادی‌منش و حسینی، ۱۳۹۶، ص ۳۹۳). رقبات محل تأمین هزینه نگهداری موقوفات و پشتوانه استمرار و آبادانی موقوفات هستند



(۲)



(۱)

نمودار ۱

تعداد اسناد موقوفات زنان گنابادی در دوران قاجار و پهلوی

نمودار ۲

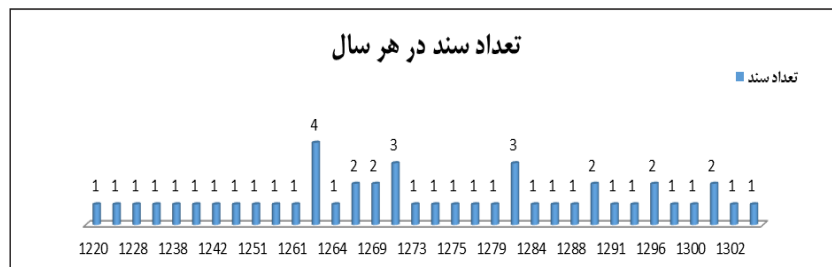
درصد اسناد موقوفات زنان گنابادی در دوران قاجار و پهلوی



در دوره قاجار، به دلایلی چون اظهار علاقه شاهان به امور مذهبی (شاه‌حسینی، ۱۳۹۰، ص ۸) و به خطر افتادن امنیت مالی مردم بر اثر هرج و مرج ناشی از حملات قبایلی چون ترکمن‌ها و ایل شیبانی (لباف خانیکی، ۱۳۸۳، ص ۶۲)، رشد وقف قابل توجه بود. از وقف‌نامه‌های قدیمی زنان گنابادی که هفت سال قبل از ضمیمه شدن منطقه به قلمرو قاجار تنظیم شده است، وقف‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۲۰۴ است (سند کلاسه ۶۳/م ۲). از سال ۱۲۲۰ تا ۱۳۰۳ قمری، هم‌چنان وقفیاتی از بانوان این منطقه در اسناد اداره اوقاف موجود است. بیشترین تعداد وقف در برخی سال‌های حکومت ناصرالدین شاه -۱۲۶۲ق، ۱۲۷۰ق، ۱۲۸۰ق- انجام شده است.

مؤدار ۳

تعداد سند در هر سال در دوره قاجار

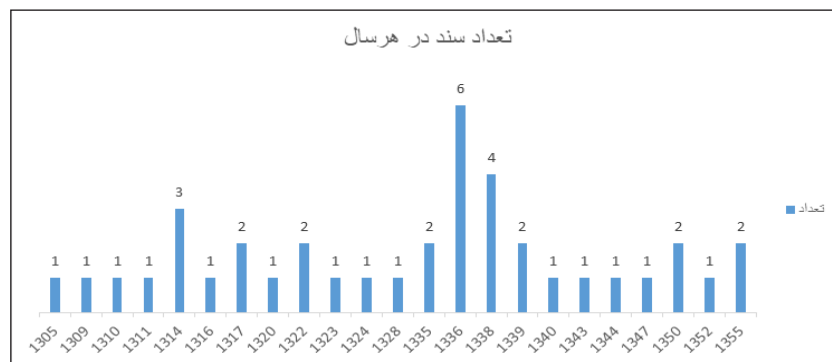


آمار اسناد موقوفات بانوان گناباد در دوره پهلوی نسبت به قاجار، به دلایلی چون تصویب قانون اصلاحات ارضی در سال ۱۳۳۹ش و نیز از بین رفتن برخی موقوفات (شاه‌حسینی، ۱۳۹۰، ص ۸؛ مطبوعه چی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹) افت داشت. بیشترین آمار اسناد واقفان زن در عهد پهلوی، به سال‌های ۱۳۱۴ش، ۱۳۳۶ش، ۱۳۳۸ش مربوط است. تعداد وقفیات در زمان پهلوی دوم بیشتر از پهلوی اول است. اقدام محمدرضا شاه در مسترد کردن برخی موقوفات به مؤسسات مذهبی (آبراهامیان، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷) در کنار طولانی‌تر بودن مدت حکومت او از پدرش و در نتیجه تغییر اوضاع سیاسی و اقتصادی زمانه او با پدرش، در افزایش اسناد وقفی بانوان از ۱۱ سند عهد پهلوی اول به ۲۸ سند زمان پهلوی دوم مؤثر بوده است.

۱. ردیف ایجاد موقوفه در حروف الفبایی [ذکر شده] (اداره اوقاف شهرستان گناباد).
۲. اول فامیل [یا شهرت] فرد واقف (اداره اوقاف شهرستان گناباد).

مؤدار ۴

تعداد اسناد موقوفات زنان گنابادی در سال‌های حکومت پهلوی

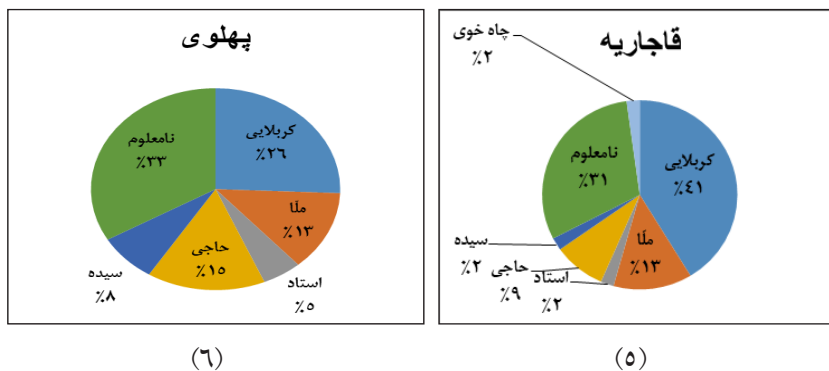


گفتنی است که سند وقف‌نامه زنان به لحاظ شکلی و محتوایی، با وقف‌نامه مردان تفاوتی ندارد. اجزای آن، شامل: بسم‌الله الرحمن الرحیم، نام واقفان، مال موقوفه، نیت واقفان، تولیت، لعن و نفرین بر عدم انجام وقف، و شاهدان موقوفه است؛ خط نگارش سند نیز، غالباً نسخ و نستعلیق است.

۴. موقعیت اجتماعی زنان واقف

زنان واقف گنابادی در دوره قاجار، موقعیت اجتماعی گوناگونی داشتند و از یک صنف و طبقه نبودند. مطابق مندرجات اسناد، همسر یا پدر ۱۹ نفر (۴۱ درصد) از بانوان از طبقات مذهبی بوده‌اند و پیشوند کربلایی داشته‌اند (سند کلاسۀ ۱۴/م؛ ۲۷/ز) و همسر یا پدر ۴ نفر (۹ درصد) از بانوان نیز پیشوند حاجی داشته‌اند (سند کلاسۀ ۳۶/ن؛ ۱۳/ن). همسر یا پدر ۶ نفر (۱۳ درصد) از بانوان از طبقه علمای دینی (سند کلاسۀ ۱/ط؛ ۵۰/م) و همسر یا پدر ۲ نفر (۴ درصد) از بانوان واقف (سند کلاسۀ ۳۸/ب؛ ۶/ز) از گروه پیشه‌وران و با القابی چون استاد و چاه‌خوی^۱ بودند. افزون‌براین، بانوان از گروه سادات نیز در این شهر وقفیاتی داشتند (سند کلاسۀ ۱۵/ب)؛ گرچه تعداد وقفیات این گروه، تنها ۱ سند (۲ درصد) است، ولی نشان از اهمیت وقف برای طبقات مختلف جامعه دارد. هم‌چنین ۱۴ سند (۳۱ درصد) از بانوان واقف موجود است که طبقه اجتماعی آنان مشخص نیست.

۱. نک: تصویر سند پیوست شماره یک.
۲. «کسی که پیشه‌اش کندن چاه یا لایروبی کاری است» (فرهنگ معین).



۵. نودار

وضعیت پایگاه اجتماعی بانوان واقف در عصر قاجار

۶. نودار

وضعیت پایگاه اجتماعی بانوان واقف در عصر پهلوی

در دوره پهلوی، همانند دوره قاجار، عمل به سنت خدایسندانه وقف در بین طبقات مختلف رایج بود. با این تفاوت که در اوقاف طبقات مذهبی، پدر یا همسر ۱۰ نفر (۲۶ درصد) از بانوان واقف، پیشوند کربلایی (سند کلاسۀ ۴۹/ر؛ ۳۰/ک) دارد که نسبت به دوره قبل افت داشته‌است. پدر یا همسر ۶ نفر (۱۵ درصد) از بانوان واقف پیشوند حاجی دارد (سند کلاسۀ ۵۹/ح؛ ۴۶/ر) که گویای افزایش موقوفات این طبقه است. پدر یا همسر



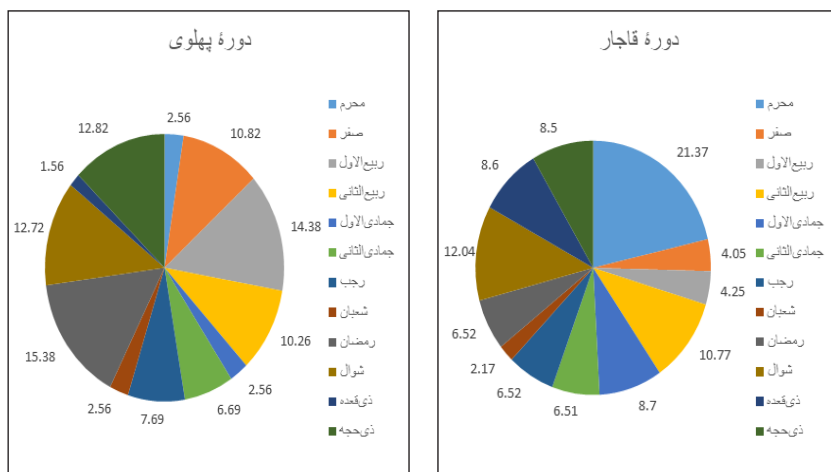
۵ نفر (۱۳ درصد) از واقفان هم به طبقه علمای دینی وابسته است (سند کلاسه ۱۰۲/ت؛ سند کلاسه ۲۴/م). پدر یا همسر ۲ نفر (۵ درصد) از بانوان واقف از طبقه پیشه‌وران، (سند کلاسه ۶۸/ت؛ ۲۲/ک) و پدر و همسر ۳ نفر (۸ درصد) از بانوان واقف از طبقه سادات است که آمار هر دو طبقه، نسبت به دوره قاجار افزایش داشته‌است (سند کلاسه ۵۰/ت؛ ۴۹/و). البته، طبقه اجتماعی ۱۳ سند (۳۳ درصد) از بانوان واقف مشخص نیست.

۵. زمان وقف موقوفه زنان گنابادی برحسب ماه‌های قمری

با علم به اینکه در هر کدام از این دوره‌ها شرایط خاصی بر ایران حاکم بوده‌است، بررسی زمان موقوفات بانوان گنابادی از این جهت حائز اهمیت است که آیا با تغییر حکومت، تغییری در وقف در ماه‌های قمری به وجود آمده‌است یا خیر؟

باتوجه به جو مذهبی غالب [اکثریت شیعه] در شهرستان گناباد، بیشترین فراوانی وقف زنان در دوره قاجار به تعداد ۱۰ مورد (۲۱/۷۴ درصد) در ماه محرم بوده‌است. سپس در ماه‌های جمادی‌الثانی و شوال، هر کدام ۶ مورد (۱۳/۰۴ درصد) است. از ماه ربیع‌الثانی ۵ مورد (۱۰/۸۷ درصد) و جمادی‌الاول ۴ مورد (۸۷۰ درصد) سند وقفی، از ماه‌های رجب و رمضان نیز، هر کدام ۳ مورد (۶۷۲ درصد) سند وقفی و از ربیع‌الاول و صفر، هر کدام ۲ مورد (۴/۳۵ درصد) سند وقفی موجود است. در ماه شعبان، ۱ مورد (۲/۱۷ درصد) وقف انجام شده‌است. از ماه ذی‌القعده و ذی‌الحجه نیز، سند وقفی وجود ندارد. به این ترتیب، در برخی ماه‌ها بسته به مناسبت شهادت یا ولادت، وقف بیشتر و در برخی از ماه‌ها، وقف کمتر انجام شده‌است.

۱. نک: تصویر سند پیوست شماره دو.



نمودار ۷

مقایسه درصد وقف در ماه‌های قمری در دوره قاجار

نمودار ۸

مقایسه درصد وقف در ماه‌های قمری در دوره پهلوی

(۸)

(۷)



در دوره پهلوی، در برخی از ماه‌های قمری، سند وقفی نداریم. قابل تأمل این‌که هیچ‌گونه سندی دال بر ایجاد وقف در ماه محرم و شعبان از دوره پهلوی مشاهده نشد. باتوجه به رحلت پیامبر اکرم و شهادت حضرت رضا در ماه صفر، ۵ سند وقفی (۱۲/۸۲ درصد) به این ماه اختصاص دارد. تعداد وقف‌های ایجادشده در ماه ربیع‌الاول که مقارن با مناسبت‌هایی چون ولادت نبی مکرم اسلام (ص) و امام صادق (ع) است، به ۶ مورد (۱۵/۳۸ درصد) رسیده‌است. در ماه رمضان، ۶ سند وقفی (۱۵/۳۸ درصد) داریم. در ماه‌های شوال و ذی‌الحجه، هرکدام ۵ مورد (۱۲/۸۲ درصد) وقف ایجاد شده‌است. موقوفات ایجادشده در ماه ربیع‌الثانی، ۴ مورد (۱۰/۲۶ درصد) و در ماه‌های رجب و جمادی‌الثانی، هرکدام ۳ مورد (۷/۶۹ درصد) است. کم‌ترین فراوانی وقف، در ماه‌های ذی‌القعدة و جمادی‌الاولی، هرکدام ۱ مورد (۲/۵۶ درصد) است.

۶. انواع موقوفات زنان

باتوجه به امکانات محدود بانوان در شهرستان گناباد و فرهنگ مردسالار حاکم بر آن، همانند اغلب ایران‌زمین، زنان املاک و مستغلات و اشیای محدودی را وقف کرده‌اند. هم‌چنین در دو دوره مدنظر مقاله، گرایش‌های زنانه خاصی در انتخاب نوع موقوفه وجود ندارد و تفاوتی بین موقوفات بانوان و آقایان به‌نظر نمی‌رسد (محبوب فریمانی و طلایی، ۱۴۰۰، ص ۱۱). بانوان، مطابق معمول، چیزهایی را وقف می‌کردند که منفعت و درآمد داشت و می‌توانستند از درآمد آن در جهت پرکردن خلأهای فرهنگی استفاده کنند. زنان اغلب، آنچه را به‌عنوان مهریه یا ارث به ملکیتشان درمی‌آمد اعم از آب و زمین وقف می‌کردند.

باتوجه به شرایط اقتصادی گناباد، وابستگی معیشتی مردم به زمین و آب، موقعیت اقلیمی و مشکل کم‌آبی در منطقه (مطبعه‌چی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸)، اکثر وقفیات زنان در دوره قاجار از جنس آب قنات و اراضی است. کم‌ترین میزان وقف آب، ۱ فنجان^۲ و بیشترین آن، ۶۸ فنجان است. از کل ۴۶ سند وقفی بانوان در دوره قاجار، در ۳۹ سند به وقف آب اشاره شده که در مجموع، ۴۰۵ فنجان آب وقف شده‌است. در وقف اراضی نیز ۲۱ سند وجود دارد که کم‌ترین وقف زمین، ۱ من و بیشترین آن، ۱۷۵ من است که در مجموع، ۶۰۵ من زمین توسط بانوان وقف شده‌است. پس از آب و اراضی، بیشترین وقفیات در حوزه درخت توت است که در مجموع، شامل ۵ واقف زن است. باتوجه به اینکه ابریشم گناباد از اقلام مهم تولیدی منطقه بوده‌است و شماری به شغل ابریشم‌کشی مشغول بوده‌اند (مستوفی، ۱۳۳۶، ص ۱۷۶؛ پورابراهیم، ۱۳۷۱، ص ۲۱۴)، غرس و پرورش درخت توت برای پیله‌کرم ابریشم مورد توجه بوده‌است. در ۲ سند دیگر، ۴۰ من گندم

۱. به دلیل میزان اندک بارندگی، قنات یکی از مهم‌ترین منابع تأمین آب در فلات مرکزی ایران (Bonine, ۱۹۸۹, p35) و به‌ویژه در گناباد بوده‌است؛ به همین دلیل در گناباد قنات‌های متعددی وجود داشته‌است (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۵۸).

۲. «واحد تقسیم آب بین کشاورزان در گناباد فنجان بوده‌است. فنجان ظرفی به‌صورت نیم‌کره است که معمولاً از مس ساخته می‌شود و در وسط کف آن سوراخی وجود دارد. برای اندازه‌گیری با فنجان ظرفی نسبتاً گود را که آن‌هم از مس است و ظرفیت آن در حدود ۱۰ الی ۲۰ لیتر است از آب پر می‌کنند و فنجان را روی آب آن قرار می‌دهند. آب از سوراخ ته فنجان داخل فنجان می‌شود و به‌محض اینکه فنجان از آب پر شد در ظرف بزرگتر فرو می‌رود. [مدت زمان پرشدن هر فنجان را یک فنجان آب می‌نامیده‌اند و دوباره فنجان را خالی می‌کرده‌اند و روی آب می‌گذاشته‌اند] مدت زمان پرشدن فنجان به تنگی یا گشادی سوراخ آن بستگی دارد. در قدیم که ساعت وجود نداشته و یا دربین مردم شناختن وقت با ساعت عمومیت نداشته‌است اندازه‌گیری با فنجان برای تعیین زمان به‌کار می‌رفته‌است و به همین جهت به آن پیمانۀ مدت و یا ساعت آبی هم می‌گفته‌اند. هر فنجان خودش به شش‌دانگ تقسیم می‌شود و داخل آن خطوطی برای این تقسیم دارد» (پورابراهیم، ۱۳۷۱، ص ۱۴۹).

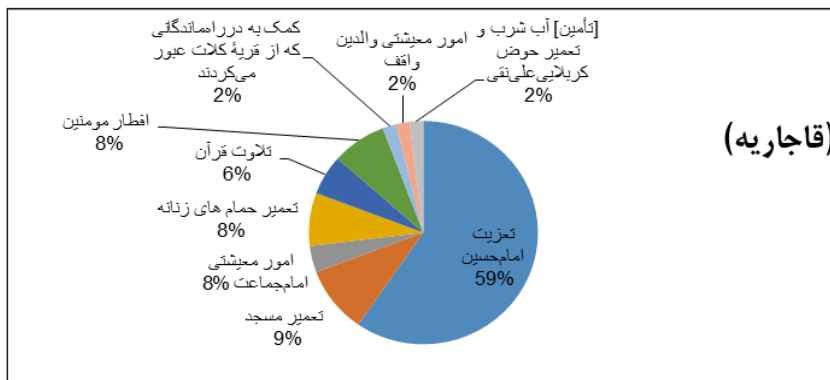


وقف شده است. هم‌چنین برخی بانوان، به وقف منازل خود اهتمام داشته‌اند؛ ۳ سند وقفی، از این دوره موجود است که حکایت از این امر دارد. بانوان در نیت وقف منزل، به دنبال برگزاری مراسم عزاداری در منزل خود بوده‌اند و می‌خواستند چرخ منزل بانام ائمه روشن بماند. بانوان واقفی که بی‌اولاد بودند، بر آن عقیده بودند که وقف منزل، باعث روشن ماندن اجاق خانه و زایش‌های معنوی به جای مادی می‌شود.

افزون‌بر موارد ذکر شده، در ۲ مورد از اسناد، مجموعاً ۳۴ تومان وجه نقد وقف شده است. علاوه‌بر این‌ها، موارد دیگری هم از سوی زنان وقف شده است. برای نمونه در سال ۱۲۶۹ ق، زوجه کربلائی مهدی هروی و زوجه ملامحمد، علاوه‌بر ۱۵ من اراضی و ۵ فنجان آب، «چند قطعه مس از جمله یک عدد آفتابه، آب‌گردان، یک عدد جام آب‌خوری، یک عدد روغن‌داغ‌کن، یک عدد دیگ مسی، یک عدد قلیان رویی همراه با اسبابش، یک عدد پلاس رنگه، ۵۰ دوری سفال، ۲ عدد کاسه مشهدی، ۱۰ عدد بشقاب، ۱۰ کاسه سفالی و قاشق شمشاد» وقف کرده‌اند (سند کلاسه ۱۰۶/ت). مقرر شده است که این ابزار و وسایل، در مراسم سوگواری ایام محرم و یا شب‌های قدر استفاده شود. اشاره به وقف قلیان، با مندرجات سفرنامه‌های عهد قاجار مبنی بر استفاده از قلیان در اکثر مراسم و عزاداری‌ها همخوانی دارد (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: بروگش، ۱۳۸۸، ص ۲۲۰؛ پولاک، ۱۳۶۸، ص ۴۴۰؛ کارلاسرنا، ۱۳۶۲، ص ۷۳؛ یوشیدا ماسهارو، ۱۳۷۳، ص ۱۰۸). هم‌چنین در سال ۱۲۷۷ قمری، زوجه ملامحمدباقر آسیایی در کنار ۵۶ من اراضی و ۱۰ فنجان آب، «۳ شجره عناب، یک عدد دیگ مسی با لگن دسشویی [دست‌شستن] و کف‌گیر» وقف کرده است (سند کلاسه ۱۰۱/ت). در سال ۱۳۰۱ قمری نیز، صبیبه کربلائی باقر و صبیبه کربلائی رجب‌علی افزون‌بر ۲ فنجان آب و ۱ قطعه زمین، ۶ درخت توت و درخت انجیر وقف کرده‌اند (سند کلاسه ۹/الف). در نمونه‌ای دیگر، کربلائی فاطمه فرزند کربلائی عابدین در سال ۱۳۰۱ ق، در کنار ۱۷۵ من اراضی، «یک گلیم و نم‌د و یک طاق سینی مس بزرگ عددی، مجموعه مس میانه عددی، پیه‌سوز مس عددی، دو من و نیم غلف^۱ مس کوچک و بزرگ، دو عدد چهارقد زنگی [احتمالاً رنگی] و ده طاقه حریر» را وقف کرده است (سند کلاسه ۱/ف).

۱. در اصل سند غلف نوشته شده است، منتها چون بحث ظرف و ظروف است، احتمال دارد که منظور غلیف باشد. غلیف: نوعی قابلمه مسی است که در آن آش (آش غلیف) یا چیزهای دیگر می‌پزند.



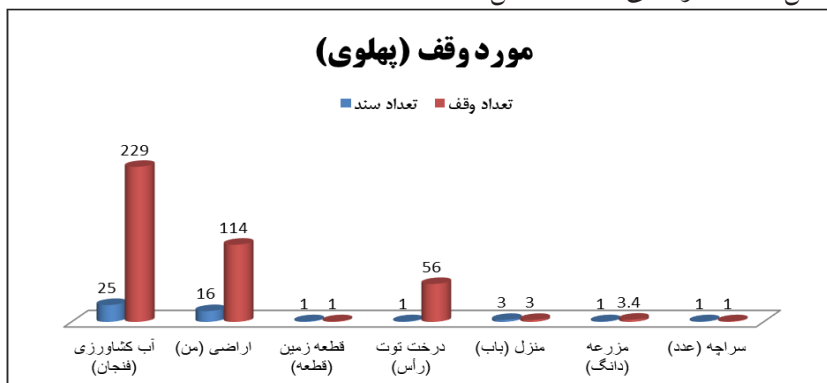


نمودار ۹

انواع موقوفات زنان در دوره قاجار

اسناد موقوفات بانوان در دوره پهلوی، کم‌تر از دوره قاجار است و مجموعاً، شامل ۳۹ سند است. در این دوره نیز، بیشترین آمار وقفی در حوزه آب و اراضی است؛ کم‌ترین فراوانی وقف آب، ۱ فنجان و بیشترین آن، ۴۰ فنجان است و مطابق مندرجات ۲۵ سند مرتبط، در مجموع، ۲۲۹ فنجان آب وقف شده است. هم‌چنین، کم‌ترین فراوانی وقف اراضی، ۱ من و بیشترین آن، ۲۰ من است و برمبنای ۱۶ سند مرتبط، در مجموع، ۱۱۴ من اراضی وقف شده است. به جز این موارد، یک سند به وقف ۵۶ درخت توت اشاره دارد. از دیگر وقفیات بانوان در این دوره، دانگ مزرعه و ۱ باب سراچه است. کاهش محسوس موقوفات زنان در دوره پهلوی در گناباد نسبت به ایام زمامداری سلسله قبلی، به دلایلی چون کمتر بودن مدت حکومت پهلوی (۵۳ سال) در مقایسه با مدت حکمرانی قاجار (۱۳۰ سال)، تفاوت سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی این دو حکومت، افزایش نقش آفرینی حکومت پهلوی در امور اجتماعی و کاهش نقش آفرینی بخش غیردولتی در امور اجتماعی، تمایل کمتر حکومت پهلوی به تداوم ایفای نقش سابق نهاد وقف، بدبینی مردم به عملکرد پهلوی و نارضایتی آنان از سیاست مذهبی حکومت پهلوی ارتباط دارد (اکبری‌ان، ۱۳۹۷، ص ۵۱؛ شجیعی، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۵۷-۵۸؛ ازغندی، ۱۳۸۲، صص ۳۳۹-۳۴۲).

۱. معمولاً واحد شمارش درخت اصله است؛ ولی به دلیل اهمیت زیاد درخت در بعضی مناطق ایران از کلغات فرد و رأس هم برای شمارش درخت استفاده می‌شود.



نمودار ۱۰

نوع موقوفات زنان گنابادی در دوره پهلوی



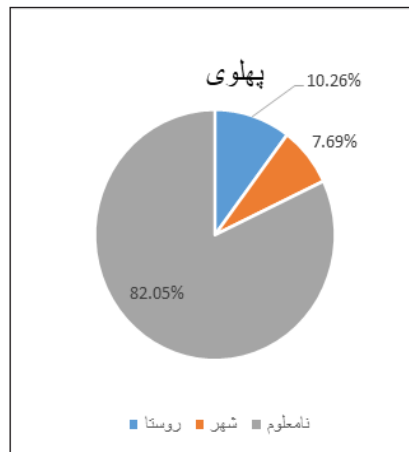
۷. محل مصرف موقوفات زنان گنابادی

هرکدام از رقباتی که بانوان گنابادی در دوره قاجار و پهلوی وقف کرده‌اند، کارکردهای گوناگونی دارد. برخی از رقبات یک کارکرد و برخی دیگر، چند کارکرد دارند. مهم‌ترین کارکرد موقوفات بانوان گنابادی، در امور مذهبی است؛ به طوری که از ۶۶ سند دوره قاجار، در ۳۱ سند (۶۷ درصد) به وقف برای عزاداری امام حسین اشاره شده‌است. در واقع به دلایل تاریخی، اجتماعی، و اعتقادی میان نهاد وقف و عاشورا پیوندی پایدار برقرار بوده و بیشترین محل مصرف وقف، سوگواری برای امام حسین بوده‌است (یارمحمدی و نوروزی، ۱۳۹۸، ص ۳۸). افزون بر سوگواری برای امامان، وقف بر مساجد در ۵ سند (۱۰/۸۶ درصد) آمده‌است که مطابق آن، بانوان رقبه خود را به تعمیر یا کمک به دایر نگه داشتن مسجد اختصاص داده‌اند؛ این امر، در قالب مرمت و بازسازی، تهیه روغن چراغ، تأمین روشنایی مسجد و تهیه فرش بوده‌است. از دیگر نکات حائز اهمیت در اسناد، وقفیات در حوزه تعمیر و تأمین سوخت حمام عمومی در روستا یا شهر است. از آنجاکه حمام عمومی، کارکردهای مختلفی از قبیل بهداشتی، اجتماعی، هنری و دینی داشته‌است (نک: ربانی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۵، ملایی توانی و غلام‌پور، ۱۳۹۳، ص ۲۰)، ۴ سند (۸ درصد) موقوفات بانوان واقف به این مهم توجه دارد. از جمله تفاوت‌های موقوفات بانوان در مقایسه با آقایان در گناباد، این‌که در وقف‌نامه آقایان، مواردی چون وقف بر اولاد، وقف بر مدارس و وقف بر تحصیل بیشتر مدنظر بوده‌است (اکبریان، ۱۳۹۷، صص ۷۳، ۷۶، ۷۷). افزون بر موارد ذکر شده، وقف بر افطار مؤمنین در ۴ سند (۸ درصد) و وقف بر تلاوت قرآن هم در ۳ سند (۶ درصد) آمده‌است. برای نمونه، صبیح حاج آقا محمد هروی در وقف‌نامه خود به سال ۱۲۷۷ ق ذکر کرده‌است که «یک نفر قاری صحیح‌القراءة هر ماهی، یک ختم قرآن از برای همشیره واقف، زوجه کربلائی مهدی، تلاوت نماید» (سند کلاسه ۱۰۱/ت). در واقع «واقفان با اختصاص اموال خود در راستای اهداف مذهبی، زمینه تقویت روحیه و انسجام اجتماعی را فراهم می‌ساختند» (اکبریان، ۱۳۹۷، ص ۸۳). ۲ نفر (۴ درصد) از بانوان واقف نیز به امور معیشتی امام‌جماعت مساجد در روستاها توجه کرده‌اند. محتوای دیگر اسناد وقف‌شده، عبارت است از: ۱ سند (۲ درصد)، کمک به درراه‌ماندگانی که از قریه کلات عبور می‌کردند؛ ۱ سند (۲ درصد)، [تأمین] آب شرب و تعمیر حوض کربلائی علی‌نقی؛ و ۱ سند (۲ درصد)، امور معیشتی والدین واقف. هرچند وقف برای موارد غیر سوگواری اندک است، ولی همین مقدار از حیث توجه واقفان زن به مواردی چون وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم، تأمین بهداشت عمومی، و تحکیم روابط خانوادگی قابل توجه است.

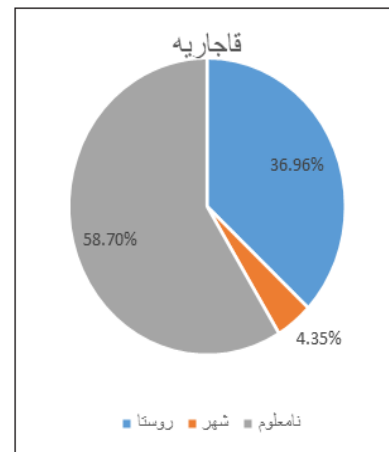


۸. پیشگامی روستاها در موقوفات بانوان

از آنجاکه بیشتر وقفیات دوره قاجار، آب و اراضی کشاورزی است، محل بیشتر وقفیات هم روستا هستند. بخشی از این امر، به این موضوع مرتبط است که در این موقع، بیشتر مردم در ۱۴۲ روستای گناباد زندگی می‌کرده‌اند (مصاحبه با آقای باقرزاده، بخشدار مرکزی، دوشنبه، ۱۴۰۱/۰۹/۲۸) و شهرهای ایران، چندان زیاد و پرجمعیت نبوده‌اند. از نظر مکان وقف، برمبنای مندرجات اسناد، تعداد ۱۷ نفر (۳۳۷/۹۶ درصد) از بانوان رقبات خود را در روستا وقف کرده‌اند و فقط ۲ نفر (۴/۳۵ درصد)، به وقف در شهر پرداخته‌اند. البته، مکان وقف ۲۷ نفر (۵۸/۷۰ درصد) از واقفان مشخص نیست. در دوره پهلوی، با وجود رشد شهرنشینی و کاهش سهم روستاها در اقتصاد کشور، هنوز ۱۱۵ روستا در شهرستان گناباد وجود داشته‌است (مصاحبه با آقای باقرزاده، بخشدار مرکزی، دوشنبه، ۱۴۰۱/۰۹/۲۸). با بررسی ۳۹ سند وقفی دوره پهلوی، وقفیات ۴ نفر (۱۰/۲۶ درصد) از بانوان در روستا و وقفیات ۳ نفر (۷/۶۹ درصد) در شهر واقع بود. البته، مکان وقف ۳۲ نفر (۸۲/۰۵ درصد) از بانوان واقف دوره پهلوی مشخص نیست؛ هرچند باتوجه به اینکه اکثریت موقوفات این دوره نیز اراضی و آب بوده‌است، احتمالاً اسنادی که مکان وقف آنها مشخص نیست، عمدتاً در حوزه روستاها باشد.



(۱۴)



(۱۳)

نمودار ۱۳

مکان موقوفه زنان گنابادی در دوره قاجار

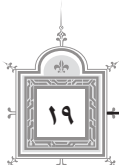
نمودار ۱۴

مکان موقوفه زنان گنابادی در دوره پهلوی

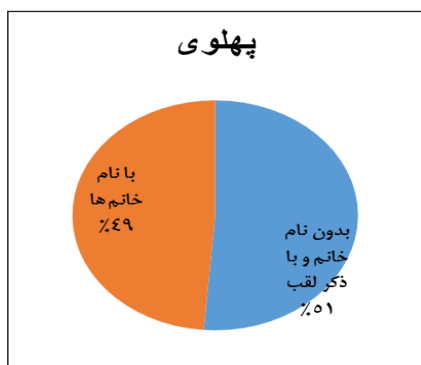
۹. اسامی و القاب به کاررفته در اسناد بانوان واقف

نام خود بانوان واقف در بیشتر اسناد موجود در اداره اوقاف گناباد، درج نشده‌است؛ در برخی اسناد، القاب و عناوین به جای اسامی اصلی بانوان واقف آمده‌است. از ۴۶ سند دوره قاجار، ۲۹ مورد (۶۳ درصد) دارای القابی چون صبیّه کربلائی است (اسناد کلاس ۵۱/الف؛ ۴/ف؛

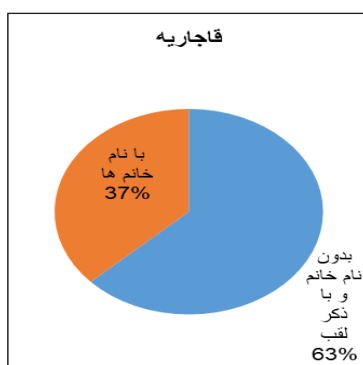
۱. نک: تصویر سند پیوست شماره سه.



۳/م؛ ۱۸/م)؛ در ۱۷ سند (۳۷ درصد)، اسامی بانوان واقفی چون فاطمه، خدیجه، زینب ثبت شده است (اسناد کلاسه ۱۰/ف؛ ۳/ت؛ ۴/ز؛ ۸/ن). به نظر می رسد برخی بانوان، به دلایلی چون مذهب، تعصب، فضای فرهنگی منطقه، و رعایت کرامت خود (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۵)، از به کار بردن اسامی شان پرهیز می کرده اند. در دوره پهلوی نیز، شاهد تکرار تقریبی همین وضع هستیم. از ۳۹ سند واقفان زن گنابادی در دوره پهلوی، ۲۰ مورد (۵۱ درصد) دارای القابی همانند صبیبه آخوند، صبیبه کربلایی، و صبیبه استاد است (اسناد کلاسه ۲۴/م؛ ۳۰/ک؛ ۷/ی؛ ۲۲/ک)؛ در ۱۹ سند (۴۹ درصد)، اسامی بانوان واقفی چون سکینه، هاجر، ماه‌نساء، فخرالنساء درج شده است (اسناد کلاسه ۵/س؛ ۱۰/ب؛ ۵۴/م؛ ۵/ف).



(۱۶)



(۱۵)

مُودار ۱۵

القاب و اسامی بانوان واقف گنابادی در عصر قاجار

مُودار ۱۶

القاب و اسامی بانوان واقف گنابادی در عصر پهلوی

۱۰. متولیان موقوفات بانوان گنابادی

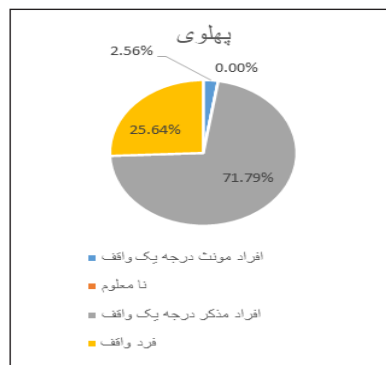
بانوان واقف گنابادی، از تولید و مدیریت بانوان در موقوفات خود چندان استقبال نکرده اند؛ تنها در برخی موقوفات، خود واقفه تا زمان حیاتش، متولی بوده است (اسناد کلاسه ۲۷/ز؛ ۲۹/ز؛ ۲۲/ز؛ ۳۱/ز). واقفان خانم در اغلب موارد، متولی را از بین اولاد مذکر خود انتخاب کرده اند. در موارد اندک و در صورتی که واقف فرزند ذکوری نداشت، این امر را به بانوان محول می کرد. اگر با فوت واقف، نسل منقرض می شد، امام جماعت تولیت موقوفه را برعهده می گرفت (اسناد کلاسه ۱۴/م؛ ۷/ی). برای نمونه، در سند وقفی صبیبه ملاحسن (زوجه محمد شریف) مورخ ۱۲۸۵ق درباره متولی املاک وقفی ایشان، آمده است: «امام الحیاء، خود واقفه است و بعد صبیبه واقفه، زوجه غلام رضا، خلف کربلایی یحیی؛ و بعد، اولاد ذکور زوجه غلام رضا و اکبر ذکور از اناث متولی خواهند بود نسلاً و بعد نسل و بطناً بعد بطن؛ و اگر خدای نخواسته منقرض شوند، هر یک از اولاد ذکور مرحوم علی حیدریگ که به زیور صلاح آراسته باشند متولی خواهند بود؛ و اگر خدای نخواسته جمیع منقرض شوند، تولیت نیز با

۱. نک: تصویر سند پیوست شماره چهار.

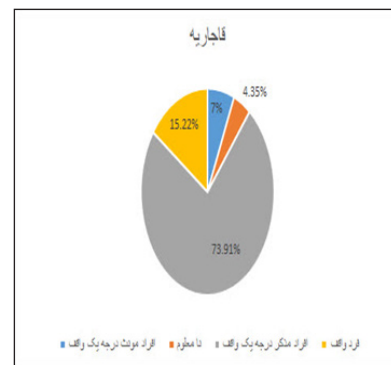


امام‌جماعت مسجد خواهد بود» (سند کلاسه ۳۳۳/م). در ۶۶ سند دوره قاجار، متولی موقوفه ۳۴ سند (۷۳/۹۱ درصد)، افراد مذکر درجه یک اعم از فرزند پسر، همسر و برادر هستند؛ متولی موقوفه ۷ مورد (۱۵/۲۲ درصد) از موقوفات، خود فرد واقف است؛ متولی موقوفه ۳ سند (۶۵۲ درصد)، افراد مؤنث اعم از فرزند دختر و خواهر واقفه هستند (سند کلاسه ۹/ر؛ ۱۳۵/م)؛ متولی موقوفه ۲ سند (۴/۳۵ درصد) نیز مشخص نیست.

از ۳۹ سند دوره پهلوی، متولی موقوفه ۲۸ سند (۷۱/۷۹ درصد)، با اقوام مذکر درجه یک واقفه (اعم از فرزند پسر، همسر و برادر) است؛ متولی موقوفه ۱۰ سند (۲۵/۶۴ درصد)، فرد واقفه است؛ و متولی موقوفه ۱ سند (۲/۵۶ درصد)، با اقوام مؤنث درجه یک واقفه است. در برخی موارد اندک واقف سمت ناظر را برای جنس مؤنث در نظر گرفته است (اسناد کلاسه ۲۹/ک؛ ۵/س؛ ۱۸/ش). برای نمونه، در سند وقفی مورخ ۱۳۲۳ ق متعلق به زوجه علی اصغر، او تولیت ملک خود را «کربلانی حسین و نظارت ملک مرقوم را با اولاد انانث قرار داده [است]» (سند کلاسه ۲۹/ک). تعیین ناظر، با هدف تضمین عملکرد متولی و اجرای دقیق نیت واقف انجام می‌شده است (حدادی‌منش و حسینی، ۱۳۹۶، ص ۴۱).



(۱۸)



(۱۷)

نمودار ۱۷

متولیان در دوره قاجار

نمودار ۱۸

متولیان در دوره قاجار

۱۱. تعداد شاهدان در اسناد موقوفات بانوان گنابادی

در اکثر اسناد موقوفات بانوان واقف گنابادی، شاهدان زیادی به چشم می‌خورد که ذیل سند وقفی را امضاء و مهر کرده‌اند. این افراد، نوعاً از اقشار فرهنگی ذی‌نفوذ از قبیل امام‌جماعت، مبلغ و سخنران، معتمدان و ریش‌سفیدان محلی و نیز وابستگان سببی و نسبی واقفان بوده‌اند. با بررسی اسناد وقفی، به نظر می‌رسد شاهدان قبل از امضاء و مهر اسناد، با عباراتی چون «اعترفت الواقف لَدی» یعنی «واقفه در نزد من [به وقفیت] اقرار کرد» و یا ترجمه آن، به انجام و تحقق وقف تأکید و تصریح می‌کردند. این قبیل شهادت و گواهی



و اقرارهای متعدد، نقشی اساسی در جهت حفظ، ماندگاری و حراست موقوفه در آینده داشت؛ به گونه‌ای که اگر وقف‌نامه به هر دلیلی مفقود و یا تماماً معدوم می‌شد، شاهدان می‌توانستند وقف را اثبات کنند و لزوم عمل برطبق نیت واقف را ثابت کنند.

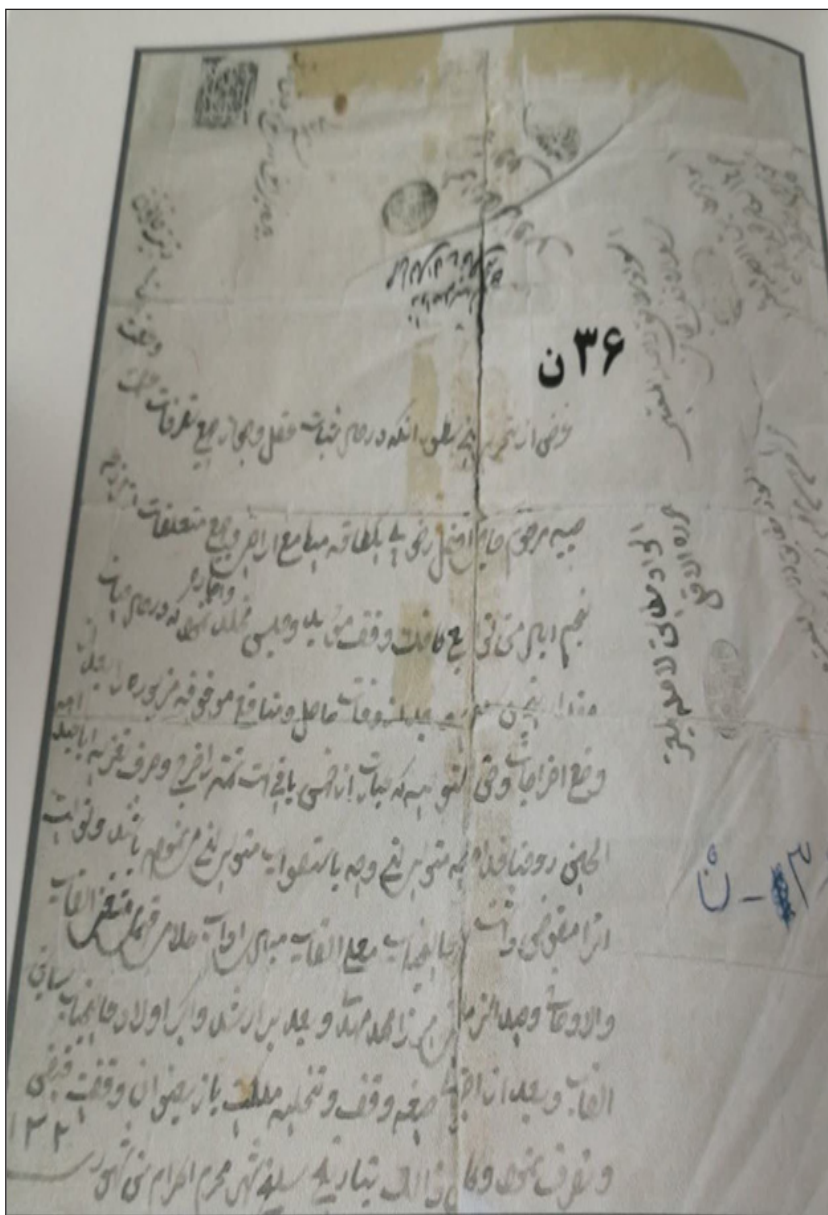
تعداد گواهان در اسناد موقوفات زنان گنابادی دوره قاجار، بین ۲ تا ۲۱ نفر متفاوت است؛ البته ۵ سند موقوفه، به دلایل احتمالی چون ترس بانوان واقف از پیامد نشر خبر و جلوگیری اطرافیان و وابستگان از ایجاد وقف، شاهد ندارد. در اسناد موقوفات زنان گنابادی دوره پهلوی، تعداد شاهدان بین ۲ الی ۱۴ نفر متفاوت است؛ ۱ سند این دوره نیز، بدون شاهد است. در پایان برخی اسناد دوران قاجار و پهلوی، آیات یا عباراتی آمده است که در صورت عدم عمل مطابق نیت واقف، باعث و بانی آن، به لعنت خدا گرفتار شود. از جمله در ۶ سند موقوفه دوره قاجار و ۵ سند موقوفه دوره پهلوی، به دلیل دغدغه واقفان از جهت حفظ موقوفه، نوشته شده است: «هر کس به این وقف عمل نکند، گرفتار عذاب الهی و مورد لعن و نفرین خدا و ملائکه خواهد بود» (اسناد کلاس ۳۳ م؛ ۵۰ م؛ ۱۲۵ م).

۱۲. نتیجه‌گیری

اسناد موقوفات زنان گناباد در دوران قاجار و پهلوی، گویای آن است که وقفیات بانوان در دوره قاجار ۵۴/۱۲٪ از مجموع وقفیات زنان در این دو دوره و در دوره پهلوی ۴۵/۸٪ از مجموع وقفیات زنان در این دو دوره است. عمده بانوان واقف در دوران قاجار و پهلوی، به طبقات مذهبی و علمای دینی وابسته بوده‌اند. وقفیات زنان وابسته به گروه‌های پیشه‌وران و سادات در دوره پهلوی بیشتر از دوره قاجار رشد داشته است. از نظر زمان‌های ایجاد وقف، بیشترین موقوفات بانوان گنابادی در دوره قاجار، در ماه محرم و در دوره پهلوی، در ماه ربیع‌الاول انجام شده است. موقوفات بانوان، بیشتر آب و اراضی بوده که معیشت و درآمد مردم منطقه به آن وابسته بوده است؛ این اراضی و آب‌های موقوفه، احتمالاً از طریق مهریه و یا ارث به ملکیت زنان درمی‌آمده است. با وجود ارتباط بین نیت واقفان با شرایط فرهنگی جامعه، جز در مواردی نادر که وقف بر حمام زنانه انجام شده است گرایش‌های زنانه تأثیر چندانی در تعیین مصارف موقوفات در این مقطع زمانی نداشته است. در بین مصارف موقوفات، در هر دو دوره، مصارف مذهبی موقوفات خاصه برای سوگواری سیدالشهداء (ع) جایگاه ممتازی دارد. گرچه در این دو دوره تاریخی، وقفیات زنان اعم از آب و اراضی کشاورزی، بیشتر در روستاها واقع بودند، با این حال، رشد موقوفات واقع در شهرها در دوره پهلوی بیشتر از قاجار است. در اغلب اسناد وقفی هر دو دوره زمانی، نام بانوان واقف ذکر نشده و به جای آن از القاب و عناوینی چون صبیئه کربلائی و صبیئه استاد و ... استفاده شده است. بانوان واقف



گنابادی در این دو دوره، عمدتاً از دادن تولیت موقوفه به دست زنان استقبال نکرده‌اند و غالباً این وظیفه را برعهدهٔ اولاد ذکور خود یا بستگان قرار داده‌اند. شاهدان اسناد وقفی هر دو مقطع، نوعاً از اشخاص ذی نفوذ فرهنگی و محلی از قبیل امام‌جماعت و معتمدان بوده‌اند. تعداد اسناد وقفی فاقد شاهد هم در دورهٔ قاجار بیشتر از دورهٔ پهلوی است.



پیوست ۱

موقعیت اجتماعی بانو در دوران
قاجار (۱۲۲۰ ق)

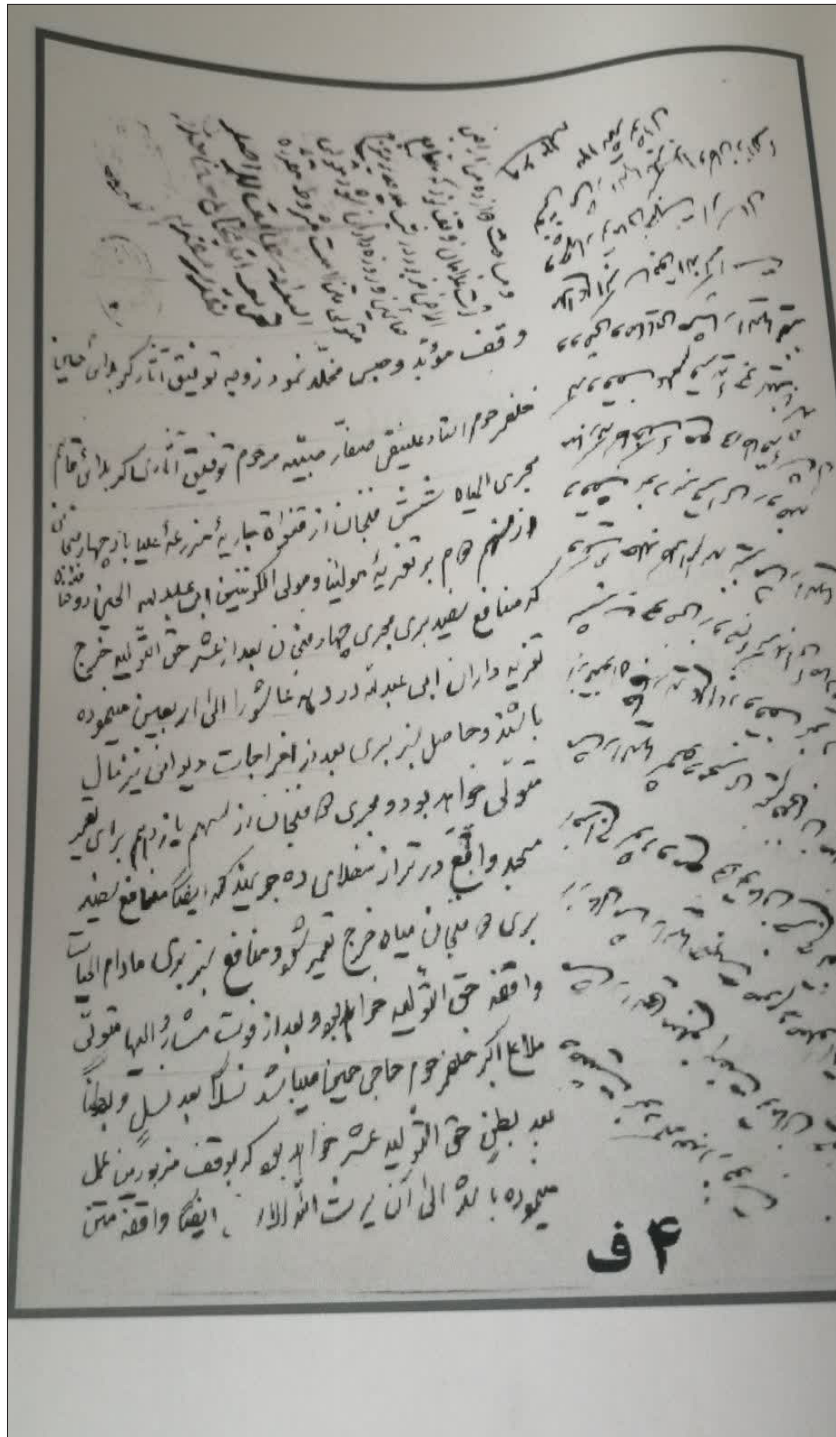


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الواقف

اصحاب الله عن الظاهر المطلاع على السائر والصلوة والسلام على من نزلت به الرسل
 بما بعد برسا لغيرنا ما جازت از یاد توست و ما درین عفا کله به شدت از یاد توست و ما
 شایق و شایسته ام از عفت و پاکیزگی و صفا و نور و صفا و نور و صفا و نور و صفا و نور
 که در بران ناطع بودم در نفع مال و ولد نبون و بفعل ناطع لدع حضرت رسالت م
 قال ۳ شل ال سیر کسل سفینه فرج من ركبته بها من دن فلف بها فکب صله الله و
 صفة العین ۳ کذاره ما موجب خلاصی را در دخل در بسته کرده و ترنم الام و عله و عطفه
 مؤید و جنت تقدان فله کل و ما من سوار سراج الیکم شرفه مؤید و عطفه
 بتعلق بهما من الدرادران و الازاد من الله الشی رفته کانت ۱۱ براسیت ۱۱ المسم
 دا فلتنا در من الموتوم دائره علیه ما توفیق مقال انک انما رتقله توفیق درم بان اتمام
 و سابق اجمار کار کرد در اصل در وقت زبور سحر اید بودیم عزیمت دران حضرت سید الشهدا
 در مع الملتین از القاد که هر عالی توفیق ان حضرت ما سوله ملک موقوفه را سا پاک کرده و
 تفریه دران قیام و اتمام ناید و ضایع مسونات را بعد از وضع اخراجات سوره و عشر حق التولی
 بصرف مقرره مزبور میرسانیده باشد و الاغیا بجا من چهل و یک و نیم نمان سیاه زهرا من مزبور
 موقوفه را وقت ظهور بر اصبا دران لیالی قدر ماه مبارک رمضان که بفرست در سید علی باج
 اصبا دران لیالی قدر که سوله زبور بر اصواب ناظر میرسانیده باشد توفیق ملک موقوفه درام الهیة
 خود و با عرض و بعد از فوت مشارالیهما با توفیق انار بر من ولدش و نظارت با سنده انوار پسندیده
 مؤمن از او من خوا به بعد و بعد توفیق و نظارت با اصحاب اولاد زکریا که خواهد بود مع اوقات الترتیب
 با وجوب طبقه سابق لاصق بموجب عهده جوامع اولاد زکریا در هر یک از طبقه سابق معدوم
 توفیق با نظارت با اصحاب اولاد انست خواهد بود مع رعایت سله بعد سله و بطریق بعد بطریق
 و در باب اتمام لوازم سید ظلومان هم در هر عام و هر زمان و هر مکان که سوله شرعی صلاح
 اتمام بعرضه دارن می خواهد نمود و ضایع مسونات را بعد از وضع سنون لازم و چون حق التولی
 بصرف مقرره و قلم موقوف زبور شده باشد توفیق انکه حق التولی و اقد موقوفه من سید زکریا
 برای بر یک از سنون و با عشر خواهد بود و در هر صهی شرعی مستلزمه عیال و اولاد و اولاد و اولاد
 مع هم چنانچه در سنون و با عشر خواهد بود و در هر صهی شرعی مستلزمه عیال و اولاد و اولاد و اولاد
 علی الجبلین اسرود البطلان مورخاً تاریخ سال ۱۲۲۲ المبارک رمضان ۱۳۲۲ هجری
 سید بیت و ۱۲۲۲ هجری ص اقرت الواقف انک وقت ما تفریه من هر زمان در هر
 عهد انشرف من انک واقف مزبور این عهد موقوفه را تخریب نمود و بفرست و وقف مزبور

پیوست ۲
موقعیت اجتماعی بانو در دوران پهلوی (۱۳۲۲ ش)



پیوست ۳

سند بدون ذکر نام بانو در دوران
قاجار (۱۲۴۹ق)



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الواحد على العاصم والصلوة والسلام على محمد وآله
أما فقد عرضت لكم في سابق أيام بطور مختصر من أسئلة
در حال صحت نفس ونباتة ففهمه وواز جمع تعرفت وخواص وخواص
وقف وبقول وخص قد شرح نمود وبعثت وقت بنایه
عنه اکثری که صدیه مردم کریدند عدل صغری هکله و نهان یک قطعه
خرم که بر واقع در جویار عطار و حدیثی یک هکله بود
و عددی که منصف یک و الله مع اکثری که بر مردم بغیر فاش
با بعضی از واحداً الفدا که بهیچ نام متوجه شرعاً و مانع مستند
لا یجوز و وضع حق التدریس خرج و منفی تغیر در آن است
که اقامه لولایه تغیر آن بزرگواران ذکر نکریم و بعضی
و جمیع را بطور صحت در مردم وقف بجهت مدد از خدی و تغیر
وقف و تولیت متکلیف بود که قرار داد ما دام الحیاة و وقف
و بعد از فوت و اقامه شریعت ۱۴ نفر واقف کرده و این مقرر خواهد بود
علاصق و بعد از آنکه با کسی اولاد ذکر کردیم که این تمام بصر
و لطفه بعد بر عمل خواهد بود و این بیخود العود یعنی نام تر
طبیعت موقوفه نماید و در ضمن سابق جا صد طبقه است
و اکثر اولاد ذکر میکنم شوند تویست که آنرا اولاد فاش کریدند
فراغ بعد طریق صحتی بر اولاد ذکر کردیم اما، شرفی شرفی
با علم رابع قریب مبارکه خواهد بود و هیچی از مردم ندانم بر این
مکوشم مانع خواهد بود بر این بر مردم و وقف علی کان الشریع
چاره و طرز رسید و بیعت و وقف هم در آن شد فقر بدید بعد

۲۰

۲۶

پیوست ۴
سند بدون ذکر نام بانو در دوران پهلوی (۱۳۳۶ ش)

منابع

اسناد

اداره اوقاف شهرستان گناباد: اسناد کلاسه:

۱/الف/۳؛ الف/۶؛ الف/۹؛ الف/۴۷؛ الف/۵۱؛ الف/۵۵؛ الف/۱؛ ب/۱۰؛ ب/۱۵؛ ب/۳۸؛ ب/۷۲؛ ب/۳؛
۵۰؛ ب/۵۲؛ ب/۶۸؛ ب/۷۶؛ ب/۹۴؛ ب/۱۰۱؛ ب/۱۰۲؛ ب/۱۰۶؛ ب/۱۰۸؛ ب/۱۱۵؛ ب/۱۵۰؛
۲/خ/۱۴؛ خ/۹؛ خ/۴۶؛ خ/۴۹؛ خ/۴؛ خ/۵؛ خ/۶؛ خ/۲۱؛ خ/۲۲؛ خ/۲۷؛ خ/۲۹؛ خ/۳۱؛ خ/۳۲؛ خ/۳۳؛ خ/۵؛
۴/ش/۱۵؛ ش/۱۸؛ ش/۳؛ ص/۱۲؛ ص/۱۶؛ ص/۱؛ ط/۱۸؛ ط/۳۴؛ ط/۵۶؛ ط/۷۹؛ ط/۱۰۳؛ ط/۲؛
۴/ف/۵؛ ف/۶؛ ف/۱۰؛ ف/۳۰؛ ق/۴۰؛ ق/۴۱؛ ق/۱۰؛ ک/۲۲؛ ک/۲۹؛ ک/۳۰؛ ک/۳؛ م/۱۴؛ م/۱۸؛
۴/۲۴؛ م/۲۷؛ م/۳۳؛ م/۴۹؛ م/۵۰؛ م/۵۴؛ م/۶۳؛ م/۱۲۵؛ م/۱۳۵؛ م/۱۶۸؛ م/۱۹۶؛ م/۸؛ ن/۱۳؛ ن/۲۲؛
۲۳/ن/۳۶؛ و/۳؛ و/۷.

کتاب

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۹). *ایران بین دو انقلاب*. (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نشر نی.

ابن حوقل، محمد. (۱۳۴۵). *صورة الارض*. (دکتر جعفر شعار، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

استرآبادی، میرمحمد هاشم بیگ. (۱۳۲۸). *بُخیره*. بی جا: چاپ شعبان.

ازغندی، علی رضا. (۱۳۸۲). *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*. تهران: سمت.

بروگش، هاینریش کارل. (۱۳۸۸). *سفری به دربار سلطان صاحب قران (۱۸۵۹-۱۸۶۱)*. (حسین کردیچه، مترجم). تهران: اطلاعات.

پاپلی یزدی، محمدحسین، و همکاران. (۱۳۷۹). *قنات قصبه گناباد: یک اسطوره*. مشهد: شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان.

پورابراهیم، حسین. (۱۳۷۱). *جغرافیای گناباد*. [مشهد]: مرندیز.

پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*. تهران: خوارزمی.

خوافی، شهاب‌الدین عبدالله. (۱۳۴۹). *جغرافیای حافظ ابرو، قسمت رابع خراسان: هرات*. (مایل هروی، کوشش گر). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

حدادی منش، مجید؛ حسینی، سیدعلی. (۱۳۹۶). *مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات اوقافی*. قم: شرکت و چاپ انتشارات وابسته به سازمان اوقاف.

زمانی، عباس. (۱۳۹۹). *گناباد: پیر تاریخ*. مشهد: مرندیز.

شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۹۰). *وقف‌شناسی تهران: از شهری اسلامی تا شهری مدرن*. مشهد: پاپلی.

شجعی، زهرا. (۱۳۷۲). *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. (ج ۱). تهران: سخن.



فریزر، جیمز. (۱۳۳۳). *تاریخ نادرشاه افشار و مختصری از تاریخ سلاطین مغول در هند*. (ابوالقاسم خان ناصرالملک، مترجم). تهران: پاسارگاد.

طباطبایی، سیدمحمد رضا. (۱۳۹۲). *صرف ساده*. قم: دارالعلم.

کارلاسرنا، مادام. (۱۳۶۲). *سفرنامه مادام کارلاسرنا: آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*. (علی اصغر سعیدی، مترجم). بی‌جا: زوار.

لباف خانیکی، رجب‌علی. (۱۳۸۳). *گناباد: خاستگاه حماسه‌های پنهان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

محبوب فریمانی، الهه؛ طلایی، زهرا. (۱۴۰۰). *گزیده اسناد حضور زنان در آستان قدس رضوی از صفویه تا پهلوی اول*. مشهد: مرکز اسناد آستان قدس.

مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۶). *نزهة القلوب*. تهران: کتاب‌خانه طهوری.

مطبعه چی اصفهانی، سیدمصطفی. (۱۳۹۲). *وقف کارآمد*. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

معین، محمد. (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: گلی

نوایان رودسری، جواد. (۱۳۹۰). «مدرنیسم و مشکل جدید وقف». *ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش؛ مؤسسه فرهنگی-هنری خراسان*. انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری خراسان با مشارکت اداره اوقاف خراسان. شماره ۱۸، ۱۳۹۰، ص ۳۷.

یوشیدا، ماساهارو. (۱۳۷۳). *سفرنامه*. (هاشم رجب‌زاده، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.

مقاله

حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۲). «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. شماره ۷۱ و ۷۰.

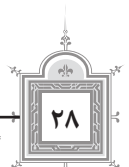
ربانی، محمد. (۱۳۸۴). «نگرشی بر استحمام در متون اسلامی». چاپ‌شده در کتاب: *مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی*، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

ملایی توانی، علی‌رضا، غلام‌پور، میثم. (۱۳۹۳). «حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه (از آغاز تا مشروطه)». *مطالعات تاریخ فرهنگی* (پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ)، ش ۲۱.

یارمحمدی، تکتیم، نوروزی، جمشید. (۱۳۹۸). «چگونگی وقف و موقوفات گناباد در سال‌های ۱۲۸۵-۱۴۳۵ق». *پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، بهار و تابستان (صفحات ۲۹-۴۴).

پایان‌نامه

اکبریان، سیدسعید. (۱۳۹۷). «تاریخ وقف در شهرستان گناباد از دوره صفویه تا عصر حاضر». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، مشهد، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی.



مصاحبه

- آقای تقوی، رئیس اداره اوقاف و امور خیریه گناباد، شنبه، (۱۴۰۱/۰۹/۲۶).
آقای باقرزاده، بخشدار مرکزی شهرستان گناباد، دوشنبه، (۱۴۰۱/۰۹/۲۸).

کتاب لاتین

Bonine, Michael E. (1989). "From Qanat, Field Systems and Morphology: Rectangularity on the Iranin Plateau". *Qanat, Kariz and Khattara: Traditional Water Systems in the Middle East and North Africa, Edited by Peter Beaumont*, Micheal Bonine, Keith Stanley McLachlan, Anne McLachlan. Landon: The Middle East Center, School of Oriental and Africa Studies, University of London.

English Translation of References

Documents

Edāre-ye Owqāf-e Šahrestāb-e Gonābād (Gonabad Endowment and Charitable Affairs Department): document no.:

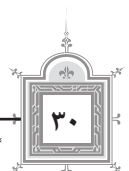
الف/3; الف/6; الف/9; الف/47; الف/51; الف/55; الف/1; ب/10; ب/15; ب/38; ب/72; ب/3; ت/1;
50/ت/52; ت/68; ت/76; ت/94; ت/101; ت/102; ت/106; ت/8; ح/59; ح/115; ح/150;
2/خ; 14/خ; 9/ر; 9/46; 49/ار; 4/ز; 5/ز; 6/ز; 21/ز; 22/ز; 27/ز; 29/ز; 31/ز; 32/ز; 33/ز; 5/س;
4/ش; 15/ش; 18/ش; 3/ص; 12/ص; 16/ص; 1/ط; 18/ع; 34/ع; 56/ع; 79/ع; 103/ع; 2/ع;
4/ف; 5/ف; 6/ف; 10/ف; 30/ق; 40/ق; 41/ق; 10/ک; 22/ک; 29/ک; 30/ک; 3/م; 14/م; 18/م;
24/م; 27/م; 33/م; 49/م; 50/م; 54/م; 63/م; 125/م; 135/م; 168/م; 196/م; 8/ن; 13/ن; 22/ن;
7/و; 3/ن; 36/ن; 23. [Persian]

Books

- Abrahamian, Ervand. (1379/2000). "*Irān bein-e do enqelāb*" (Iran between two revolutions). Translated by Ahmad Golmohammadi, & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Našr-e Ney. [Persian]
- Astarabadi, Mir Muhammad Hashem Beig. (1328/1949). "Buhayrah" (Buhayrah in anecdote and marvel writing). [n. p.]: Čāp-e Šābān. [Persian]
- Azghandi, Alireza. (1382/2003). "*Tārix-e tahavvolāt-e siyāsi va eĵtemā'ee-ye Irān*



- (1320 – 1357)” (History of social and political development in Iran). Tehran: SAMT (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities). [Persian]
- Brugsch, Heinrich Karl. (1388/2009). “*Safari be darbār-e soltān-e sāheb-qerān: 1859-1861*” (My life and my trips). Translated by Hossein Kordbacheh. Tehran: Ettelāāt. [Persian]
- Carla Serena, Madam. (1362/1983). “*Safar-nāme-ye Mādām Kārlā Serenā: Ādam-hā va āyin-hā dar Irān*” (Madame Carla Serena’s Travelogue; People and Rites in Iran). Translated by Ali Asghar Saeidi. [n. p.]: Zovvār. [Persian]
- Fraser, James Baillie. (1363/1984). “*Tārix-e Nāder Šāh-e Afšār va moxtasari az tārix-e salātin-e moqol dar Hend*” (The History of Nadir Shah). Translated by Abolghasem Khan Naser Al-Molk. Tehran: Pāsārgād. [Persian]
- Haddadimanesh, Majid; & Hosseini, Seyyed Ali. (1396/2017). “*Majmu’e-ye tanqih-šode-ye qavānin va moqarrarāt-e owqāfi*” (Endowment and charity affairs). Qom: Šerkat va Čāp-e Entesārāt-e vābasteh be Sāzmān-e Owqāf. [Persian]
- Ibn Hawqal, Muhammad. (1345/1966). “Sura-tol-arz” (The face of the Earth). Translated by Dr. Jafar Shoar. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān (Iranian Culture Foundation). [Persian]
- Khafi, Shahab Al-Din Abdollah. (1349/1970). “*Joqrāfiā-ye Hāfez-e Ābru, qesmat-e rob’e Xorāsān: Harāt*” (Historical geography of Khorasan in the history of Hafez-e Abru). Edited by Mayel Heravi. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān (Iranian Culture Foundation). [Persian]
- Labaf Khanyeki, Rajab Ali. (1383/2004). “*Gonābād: Xāstgāh-e hamāse-hā-ye penhān*” (Gonabad: The origin of hidden epics). Tehran: Sāzmān-e Mirās-e Farhangi (Iranian Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization) (ICHHTO). [Persian]
- Mahboub Farimani, Elaheh; & Talaei, Zahra. (1400/2021). “*Gozide-ye asnād-e hozur-e zanān dar Āstān-e Qods-e Razavi az Safaviyeh tā Pahlavi-ye Avval*” (A collection of documents on the presence of women in Razavi’s Astan Quds from the Safavid period to the first Pahlavi period). Mašhad: Markaz-e Asnād-e Āstān-e



- Qods-e Razavi (Organization of Libraries, Museums, and Documents Center of Astan Quds Razavi). [Persian]
- Matbaechi Esfahani, Seyyed Mostafa. (1392/2013). *“Vaqf-e kārāmad”* (Efficient endowment). Tehran: Dabir-xāne-ye Šorā-ye ‘Āli-ye Enqelāb-e Farhangi (Supreme Council of Cultural Revolution). [Persian]
- Moein, Mohammad. (1384/2005). *“Farhang-e Fārsi-ye Mo’een”* (A Persian dictionary). Tehran: Goli. [Persian]
- Mostowfi, Hamdollah. (1336/1957). *“Nezhat ol-qolub”* (The recreation of hearts). Tehran: Ketābxāne-ye Tahuri. [Persian]
- Navaeiyan Roudsari, Javad. (1390/2011). *“Modernism va moškel-e jadid-e vaqf”* (Modernism and the new problem of waqf). Viže-nāme-ye Tahlili-ye Daftar-e Pažuheš; Mo’assese-ye Farhangi-Honari-ye Xorāāsān (Khorasan Culture and Art Institut). Entesārāt-e Mo’assese-ye Farhangi – Honari-ye Xorāsān (Khorasan Culture and Art Institut Publications) bā mošārekat-e Edāre-ye Owqvf-e Xorāsān (Awqaf and Charity Affairs Organization of Khorasan Province). Issue 18, 1390, p. 37. [Persian]
- Papoli Yazdi, Mohammad Hossein et al. (1379/2000). *“Qanāt-e qasbe-ye Gonābād: Yek ostureh”* (The quassabeh qanat in Gonabad a myth). Mašhad: Šerkat-e Sahāmi-ye Āb-e Mantaqe-ee-ye Xorāsān (Regional Water Company of Khorasan Razavi). [Persian]
- Pollock, Jacob Edward. (1368/1989). *“Safar-nāme-ye Polāk: Irān va Irāniyān”* (Pollock’s travel book, Iran and Iranians). Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Pourebrahim, Hossein. (1371/1992). *“Joqrāfiyā-ye Gonābād”* (Geography of Gonabad). [Mašhad]: Marandiz. [Persian]
- Shahhosseini, Parvaneh. (1399/2020). *“Vaqf-šenāsi-ye Tehrān: Az šahri eslāmi tā šahri modern”* (Exploring endowments of Tehran: From an Islamic city to a modern city). Mašhad: Pāpoli. [Persian]
- Shajiei, Zahra. (1372/1993). *“Noxbegān-e siyāsi-ye Irān az enqelāb-e mašrutiiyyat tā enqelāb-e eslāmi”* (Iran’s political elite from the constitutional revolution to the Islamic revolution) (vol. 1). Tehran: Soxan. [Persian]



- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Reza. (1392/2013). *“Sarf-e sādeh”* (Simple conjugation). Qom: Dār-ol- ‘Elm. [Persian]
- Yoshida, Masaharu. (1373/1994). *“Safar-nāmeḥ”* (Travelogue). Translated by Hashem Rajabzadeh. Mašhad: Āstān-e Qods-e Razavi (Astan Quds Razavi). [Persian]
- Zamani, Abbas. (1399/2020). *“Gonābād: Pīr-e tārix”* (Gonabad). Mašhad: Marandiz. [Persian]

Articles

- Bonine, Michael E. (1989). “From Qanat, field systems and morphology: Rectangularity on the Iranin Plateau”. *Qanat, Kariz and Khattara: Traditional water systems in the Middle East and North Africa*, Edited by Peter Beaumont, Micheal Bonine, Keith Stanley McLachlan, Anne McLachlan. Landon: The Middle East Center, School of Oriental and Africa Studies, University of London.
- Hasanabadi, Abolfazl. (1382/2003). “Tārix-če-ye tašlilāt-e edāri-ye Āstān-e Qods-e Razavi dar dowre-ye Safaviyeh” (The history of the administrative organization of Astan Quds Razavi in the Safavid period). *Ketāb-e Māh-e Tārix va Joqrāfiyā*, issues 70 & 71. [Persian]
- Mollayi Tavani, Alireza; & Gholampour, Meysam. (1393/2014). “Hammām va estehmām dar farhang-e Irāniyān-e ‘asr-e Qājāriyeh (Az āqāz tā mašruteh)” (Bathroom and bathing in Iranian culture during Qajar period (From the beginning of the Qajar period until the Constitutional Revolution)). *Motāle’āt-e Tārix-e Farhangi (Pažuheš-nāme-ye Anjoman-e Irāni-ye Tārix)* (Journal of Cultural History Studies), issue 21. [Persian]
- Rabbani, Mohammad. (1384/2005). “Negareši bar estehmām dar motun-e eslāmi” (An attitude towards bathing in Islamic texts). In *“Majmu’e-maqāle-hā-ye hamāyeš-e hammam dar farhang-e Irāni”* (Collection of articles of the Conference on Hamam in Iranian culture, Organization of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism). Sāzmān-e Mirās-e Farhangi, Sanāye’-e dasti va Gardešgari (Organization of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism). [Persian]
- Yarmohammadi, Toktam; & Nowrouzi, Jamshid. (1398/2019). “Čegunegi-ye vaqf va



mowqufāt-e Gonābād dar sāl-hā-ye 1285 – 1435 AH” (Endowing and endowments of Gonabad in the years 1285 to 1435 AH / 1868 to 2013). *Pažuheš-nāme-ye Tārix-hā-ye Mahalli-ye Irān* (Research Journal of Iran Local Histories), 7(2), series no. 14, Spring & Summer (pp. 29 – 44). [Persian]

Dissertation

Akbarian, Seyyed Saeed. (1397/2018). *“Tārix-e vaqf dar šahreštān-e Gonābād az dowre-ye Safaviyeh tā ‘asr-e hazer”* (The history of endowment in Gonabad city from the Safavid period to the present era). [Masters’ thesis]. Mšhad: Goruh-e Tārix va Tamaddon-e Melal-e Eslāmi (Department of History and Civilization of Islamic Nations), Dānešgāh-e Ferdowsi (Ferdowsi University of Mashhad). [Persian]

Interviews

Mr. Bagherzadeh, Central Governor of Gonabad County, Monday, (1401/09/28 SH / 19 December 2022). [Persian]

Mr. Taghavi, Head of “Edāre-ye Owqāf va Omur-e Xeyriye-ye Gonābād” (Gonabad Endowment and Charitable Affairs Department, Saturday, (1401/09/26 SH / 17 December 2022). [Persian]

